

طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلان‌شهر تهران

سینا رزاقی اصل* مجتبی مهدوی نیا** محسن فیضی*** عبدالهادی دانشپور****

چکیده

نخستین هدف این مقاله بررسی محتوا و پیشینه رویکرد طراحی شهری عمودی به عنوان نظریه جدید طراحی شهری است که در راستای حل مشکلات شهری ناشی از کمبود زمین بوجود آمد. علاوه بر این بررسی شرایط شهر تهران به عنوان کلان‌شهری در حوزه جنوب غرب آسیا، برای تحقق اهداف رویکرد فوق و تحلیل محتوای متون تخصصی و بررسی تحلیلی-ارزیابانه رویکردها و جنبش‌های مطرح در توسعه شهری عمودی، به منظور استخراج پیشینه طرح این رویکرد از دیگر اهداف این نوشتار است. بر طبق یافته‌های این نوشتار، رویکردهایی همچون منظر عمودی، آسمان‌خراش‌های پایدار، شهرسازی اکولوژیک و طراحی اکولوژیک، ریشه‌های شکل‌گیری رویکرد طراحی شهری عمودی است. همچنین دو مقوله پایداری اکولوژیک و توسعه عمودی برای استفاده از حداکثر فضای آسمان از موضوعات اصلی و محوری این رویکرد است.

در ادامه، ویژگی‌های کلان‌شهر تهران به لحاظ شرایط زمین و رشد عمودی با استناد به پیشنهادات طرح جامع مورد مذاقه قرار گرفته و در انتها با رویکرد مشکل محور و نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های کیفی، الگویی برای چگونگی مواجهه با این موضوع در قالب ارائه پیشنهاداتی در باب نحوه بکارگیری پهنه‌های کلان شهر تهران مطرح شده است.

واژگان کلیدی

طراحی شهری عمودی، منظر عمودی، بلندمرتبه‌سازی، طراحی اکولوژیک، فرم شهری

* پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران.

** دانشجوی دکتری معماری گرایش پایداری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران

*** دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران

**** استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران

خلاقیت‌های طراحی اقلیمی متناسب با جریان باد در بافت قدیم

بوشهر*

احسان رنجبر**

محمدرضا پورجعفر***

کیوان خلیجی****

چکیده

سلسله مراتب طراحی اقلیمی در یک منطقه نقش زیادی در شرایط آسایش محیطی دارد. این موضوع در مناطقی با اقلیم خاص از اهمیت بیشتری برخوردار است. در میان عوامل اقلیمی، جریان باد نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به فرم شهر دارد. جهت‌گیری خیابان، ارتفاع و تراکم ساختمان‌ها، پراکنش ساختمان‌های مرتفع و ... از جمله عناصر طرح شهری است که بر الگوی جریان باد در فضاها و شهرهای اثر می‌گذارد. اگرچه موضوع تأثیر متقابل طراحی شهری و جریان باد شهری از دهه 50 قرن بیستم مورد توجه ویژه متخصصین قرار گرفته، در ایران با وجود تجربه‌های غنی در شهرهای تاریخی، این موضوع به خوبی مورد کاوش قرار نگرفته است. شهر بوشهر در کرانه شمالی خلیج فارس یکی از شهرهای اقلیم گرم و مرطوب است که کلیت بافت و فضاها و شهرهای آن متناسب با شرایط اقلیمی شکل گرفته است به گونه‌ای که خلاقیت‌های منحصر به فردی در طراحی اقلیمی، از بافت تا بنای معماری را می‌توان در آن مشاهده کرد که سیمای شهری متمایز و هویت‌بخش بوشهر قدیم را ایجاد کرده است. این مقاله با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر اصول موضوعه طراحی اقلیمی و با تکیه بر گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و میدانی به دنبال آشکارکردن خلاقیت‌های طراحی اقلیمی متناسب با جریان باد در بافت قدیم بوشهر است. مجموع تحلیل‌ها و بررسی‌ها حکایت از آن دارد که فضاها و شهرهای بوشهر در سلسله مراتبی از طراحی اقلیمی متناسب با جریان بادها و محلی شکل گرفته است. طراحی اقلیمی متناسب با جریان باد در بافت قدیم بوشهر، در ویژگی‌هایی همچون مکان‌یابی و تنظیم طبقات ارتفاعی بافت، شکل میدانی و معابر شهری، جهت‌گیری معابر و مقطع عرضی معابر در جهت کوران بیشتر، شکل فضای معماری و جزئیاتی همچون شناسیر، طارمه، بون و ... تبلور پیدا می‌کند.

واژگان کلیدی

جریان باد شهری، سلسله مراتب طراحی اقلیمی، بوشهر، فضاها و شهرهای، شناسیر

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری احسان رنجبر با موضوع "در جستجوی رمز پایداری میان‌های شهری در بافت‌های تاریخی بوشهر" با راهنمایی دکتر محمدرضا پورجعفر است.

**پروفسور دکتری معماری و مدرس گروه طراحی شهری دانشگاه تربیت مدرس. نویسنده مسئول

***دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس. تهران

****کارشناس ارشد طراحی شهری

بررسی آسیب‌پذیری شبکه‌های ارتباطی شهرها در مقابل زلزله با استفاده از روش

GIS, IHWP

مطالعه موردی منطقه شش شهرداری تهران

اسماعیل شیعه*

کیومرث حبیبی**

کمال ترابی***

چکیده

زلزله گاه می‌تواند خسارات عظیمی در زندگی بشر به بار آورد از جمله، مختل کردن شبکه‌های ارتباطی که امکان نجات زلزله‌زدگان به ویژه در 72 ساعت اولیه را با مشکل جدی روبه‌رو می‌سازد. امروزه به وجود آمدن این وضعیت خطرناک به دنبال کم‌عرض بودن راه‌ها، دور بودن مراکز خدماتی و درمانی و قرارگیری در منطقه‌ای با زلزله‌خیزی بالا، نتیجه گسترش کالبدی و افزایش تراکم شهرهای بزرگ است که منجر به از بین رفتن کارایی شبکه‌های ارتباطی، حجم بالای تلفات انسانی و خسارت‌های مالی می‌شود.

منطقه شش شهر تهران با حدود 220 هزار نفر جمعیت در سال 1385 و 20 کیلومتر مربع مساحت، یکی از مهم‌ترین مناطق شهر تهران به‌شمار می‌آید. تمرکز نهادهایی نظیر وزارتخانه‌ها، سفارتخانه‌ها، مؤسسات آموزش عالی، مراکز درمانی و بیمارستان‌های عمومی، شرکت‌های بزرگ اقتصادی و غیره بیانگر اهمیت بالای این منطقه از دیدگاه شهری و کشوری است. این موضوع به نوبه خود توجه به مسایل مدیریت بحران و حوادث در این محدوده را ضروری می‌سازد در این پژوهش با استفاده از مواردی چون دسترسی به مراکز درمانی، رابطه بین عرض خیابان و ارتفاع ساختمان‌ها، تراکم ساختمانی و جمعیتی، کاربری زمین، PGA منطقه و کیفیت ابنیه از طریق مدل‌های مختلف تلفیق اطلاعات و نقشه‌ها که براساس مدل تحلیل سلسله مراتبی معکوس ترکیب شده، میزان آسیب‌پذیری شبکه‌های ارتباطی منطقه شش در مقابل زلزله مشخص شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بدنه خیابان‌هایی با تراکم ساختمانی و جمعیتی بالا، کیفیت ابنیه پایین، فاصله زیاد تا مراکز امدادی نسبت به سایر قطعه‌ها و درجه محصوریت بیشتر، از میزان آسیب‌پذیری بالایی برخوردار بوده تا حدی که به عنوان بخش‌های آسیب‌پذیر شناخته می‌شود که با حرکت از سمت شمال منطقه به طرف جنوب به این میزان افزوده می‌شود. در مقابل بزرگراه‌ها و خیابان‌های با عرض بیشتر و تراکم ساختمانی و جمعیتی کمتر از آسیب‌پذیری کمتری برخوردار است.

واژگان کلیدی

آسیب‌پذیری، زلزله، شبکه‌های ارتباطی، تحلیل سلسله مراتبی معکوس، GIS.

*دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران. تهران

**استادیار دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه کردستان. سنندج. نویسنده مسئول

***دانشجوی کارشناسی ارشد رشته شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران.

ساماندهی، از واژه تا عمل؛ قرائت واژه ساماندهی در مداخلات شهری

گوران عرفانی*

احسان دیزانی**

چکیده

قرائت واژه ساماندهی در زمینه مداخلات شهری دارای تفاسیر متفاوت و گاه متناقض است. از این رو کاربرد این واژه در عناوین طرح‌های شهری با برداشت‌های متفاوتی، در حوزه نظری و اجرایی همراه شده است. کاربرد وسیع واژه ساماندهی در عناوین طرح‌های شهری از یک سو و قلمداد شدن این واژه به عنوان واژه‌ای تخصصی از سوی دیگر، ضرورت تبیین قرائت صحیح از این واژه را مشخص می‌کند. در همین راستا مقاله حاضر حوزه واژگان، اصطلاحات و تعاریف تخصصی و حوزه تجارب موجود در این زمینه را مورد ارزیابی قرار داده است.

واژگان، اصطلاحات تخصصی و تعاریف آنها، نقشی مبنایی در انتقال مفاهیم، پیشبرد و گسترش علوم دارد. در زبان فارسی، واژه "ساماندهی"، دارای تعریف مشخصی در زمینه مداخلات شهری نیست. با ارزیابی زبان‌های مطرح غیر بومی (انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی) در زمینه مذکور، معادل واژه "ساماندهی" تنها در زبان فرانسه موجود است. با وجود واژه معادل در زبان فرانسه، تجربیات مداخلات شهری این کشور نیز، عملاً با برداشت‌های متفاوت و گاه متناقض همراه شده است.

ساماندهی در عرصه قوانین و مقررات داخلی به صورت یک عنوان مطرح شده است و منظور از آن، بهبود وضع موجود در جهت ارتقای شرایط مناسب زندگی در محدوده‌های شهری و روستایی است. طرح‌های ساماندهی شهری در عرصه تجارب داخلی و خارجی اصول مشخصی را ملاک عمل قرار نداده و گستره مداخلات با عنوان ساماندهی از رویکردهای یکسانی برخوردار نبوده است. به دیگر سخن واژه "ساماندهی" در طرح‌های شهری نه تنها یک اصطلاح کاربردی، بلکه فقط عنوانی خنثی بوده که هیچ‌گونه چارچوب علمی-اجرایی را در زمینه مداخلات شهری نیز تبیین نمی‌نماید. کاربرد این واژه به تنهایی رویکردی تخصصی را تبیین ننموده و در صورت استفاده، بایستی با واژگان و اصطلاحات تخصصی در زمینه مداخلات شهری همراه شود.

واژگان کلیدی

ساماندهی، سازماندهی، مداخله شهری، چارچوب علمی-اجرایی

* کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران. نویسنده مسئول

** کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی دانشگاه تهران

ادراک نابینایان از معماری و ضوابط و الگوهای طراحی برای آنان*

احمدعلی فرزین**

ارغوان شیبانی***

چکیده

معماری، با مجموعه احساسات و ایده‌هایی برای بهتر زیستن فرایندی است فیزیکی که در قالب ساخت و خلق بناهایی برای عملکردهای مختلف و رفع نیازهایی همچون زیست، امنیت، آسایش و نیازهای بی‌شمار دیگر بشری نمود می‌یابد. شباهت‌های ناگزیر در ساخت و سازه‌های جوامع گوناگون طی هزاره‌ها و بر حسب نیازهای مشترک، الگوهای نسبتاً مشابهی به وجود آورده است و درک و فهم انسان از این فرایند، وابستگی تام به ابزار درک وی از فضا دارد. بخش کوچکی از جمعیت بشری که دارای ابزارهای متعارف ادراک فضا نیست، نیازمند فضایی متفاوت با دیگران است. از این میان، نابینایان فاقد ابزار اصلی درک فضا و معماری هستند. برای جلوگیری از احساس طرد شدن در ذهن قشر مذکور از یک طرف، نمی‌توان آنها را جدا از افراد سالم اجتماع و در یک محدوده مشخص محصور کرد و از طرف دیگر اختصاص یک پروژه بزرگ به درصد بسیار کمی از افراد جامعه، توجه اقتصادی نیز نخواهد داشت و چه بسا با پیشرفت‌های روزافزون علوم و فناوری به زودی در روند طراحی معمارانه برای فضاهای مختص نابینایان در جهت رفع درصدی از مشکل نابینایی، نیازمند حفظ اصول و مبانی بصری و زیباشناختی خاص یک پروژه معماری یا معماری منظر نیز باشیم. بنابراین آنچه در این تحقیق پیش روست، تلاشی است برای تشخیص درک نابینا از معماری و ارائه الگوی صحیحی از فضای مناسب با ادراک او. اگر چه رعایت رعایت صحیح معیارها، ضوابط و استانداردهای تبیین شده توسط کارشناسان و صاحب‌نظران ذی‌ربط، می‌تواند شرایط مطلوب توأم با اطمینان خاطر و امنیت فضای کار و زندگی را برای نابینایان تأمین نماید، اما از آنجایی که یک نابینا نیز به هنگام فراغت و تفریح فضایی متفاوت از الگوهای تکراری روزمره را نیز طلب می‌کند، به نظر می‌رسد در بعضی شرایط خاص و متفاوت بر حسب نوع کاربری یک پروژه معماری یا معماری منظر می‌توان از تکرار همان الگوهای واحد طراحی، با شرط رعایت تمهیدات ویژه جهت حفظ ایمنی نابینایان، پرهیز نمود.

واژگان کلیدی

معماری، نابینایی، ادراک، فضا، ضوابط، طراحی

* برگرفته از رساله کارشناسی ارشد معماری منظر، ارغوان شیبانی با عنوان: آوای طبیعت.

** استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، دانشگاه تهران.

دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی

بر اساس مستندات باستان‌شناختی

حسن کریمیان*

ساسان سیدین**

چکیده

دارابگرد یکی از شهرهای پر رونق روزگار ساسانی بود که با اضمحلال این سلسله به تدریج اهمیت خود را از دست داد و در آغاز قرن ششم هجری قمری متروک شد. مطالعات باستان‌شناختی نگارندگان روشن ساخت که این شهر باستانی در روزگار ساسانی دارای استقرار متمرکز، پر قدرت و طبقاتی بوده، لیکن پس از تسخیر ایالت پارس توسط مسلمانان، تغییراتی در عملکرد و کاربری فضاهای آن به وجود آمده است.

شواهد باستان‌شناختی مؤید آن است که در قرون اولیه اسلامی عموم ساکنان دارابگرد به استقرار در نیمه شمالی شهر گرایش یافته‌اند و از نیمه جنوبی آن استفاده چندانی نشده است. این یافته‌ها همچنین حاکی از آن است که در نخستین سده‌های اسلامی بخشی از سکنه شهر در محدوده خارج از دروازه غربی سکونت داشتند.

نوشته حاضر در پی آن است که به مدد یافته‌های باستان‌شناختی، ادوار استقرار این شهر کم‌نظیر ایران باستان را مشخص کند و ضمن تعیین کاربری محله‌های دارابگرد در نخستین سده‌های اسلامی به پرسش‌هایی در خصوص علت اصلی تغییرات بوجود آمده در سازمان اجتماعی، فرم و عملکرد این شهر نیز پاسخ دهد.

واژگان کلیدی

دارابگرد، شهر ساسانی، فرم و عملکرد، فضای شهری، شهر اسلامی

* عضو هیأت علمی گروه باستان‌شناسی. دانشگاه تهران

** دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی. دانشگاه تهران. نویسنده مسئول 09121459157

رابطه چگونگی قرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه و منظر شهری*

مهرداد کریمی مشاور** سید امیر منصوری*** علی اصغر ادیبی****

چکیده

بررسی مسئله ساختمان‌های بلندمرتبه در منظر شهری دارای ابعاد مثبت و منفی زیادی است. شناخت این ابعاد می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را در جهت تقویت ابعاد مثبت و همچنین حذف ابعاد منفی کمک نماید. بر همین اساس، تحقیق حاضر به بررسی جایگاه ساختمان‌های بلندمرتبه در منظر شهری با هدف روشن‌تر ساختن ابعاد مسئله می‌پردازد.

بررسی چگونگی قرارگیری ساختمان‌های بلندمرتبه در شهر می‌تواند از منظرهای مختلف مورد بررسی قرار گیرد، اما آنچه در این تحقیق مد نظر است مقایسه‌ای تطبیقی میان دو نوع قرارگیری ابنیه بلند در شهر است که به صورت خوشه‌ای (cluster) و منفرد (stand alone) شناخته می‌شود.

ارزیابی تأثیر این دو نوع ابنیه بلند در شهر بر اساس سه هدف: 1. عملکردی 2. هویتی 3. زیباشناسانه اقدام صورت می‌گیرد که به ترتیب ایجاد بیشترین کارایی، معنا و زیبایی در منظر شهری مورد توجه قرار می‌دهد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ارزیابی تطبیقی استفاده می‌شده که در آن به بررسی ایجاد فرصت‌ها و تهدیدها بر اساس قرارگیری ابنیه بلند به صورت منفرد و خوشه‌ای پرداخته قرار می‌دهد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در مکان‌یابی و معماری بناهای بلند منفرد و خوشه‌ای باید تفاوت قائل شد؛ زیرا ابعاد تأثیرگذار این بناها در منظر شهری متفاوت است. برج‌های منفرد دارای مفهوم "منیت" و بناهای بلند خوشه‌ای تجربه حذف دیدهای شهری می‌شود. بر اساس تفاوت‌های این دو نوع بنای بلند، باید تصمیمات مناسب در ضوابط معماری و مکان‌یابی برای هریک به عمل آید.

واژگان کلیدی

منظر شهری، ساختمان‌های بلند مرتبه، خوشه‌ای، برج‌های منفرد.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری مهرداد کریمی مشاور با عنوان "نقش بلندمرتبه‌سازی در منظر شهری" است که به راهنمایی آقایان دکتر منصوری و دکتر ادیبی در دانشگاه تهران در حال انجام است.

** پژوهشگر دکتری معماری. دانشگاه تهران. پردیس هنرهای زیبا. تهران نویسنده مسئول ۰۹۱۲۶۰۵۹۱۳۸

*** استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران

**** استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا. دانشگاه تهران